

هدف قرار گرفتند بلکه فیلم بردار شبکه اسکای نیوز انگلیس و خبرنگار هفته نامه آمریکایی نیوزویک هم کشته شدند. نیروهای امنیتی متحصنین را در داخل خیمه هایشان به آتش کشیدند. با این حال هیچ کس نگران نشد، شورای امنیتی تشکیل نشد، قطعنامه ای صادر نشد، در مقابل ملک عبداللہ پادشاه سعودی تبریک گفت و شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس استقبال کردند. مقامات آمریکایی هم در این میان خواستار خویشتن داری طرفین به منظور حفظ ثبات شدند.

ارجح دانستن ثبات

شکندگی و بی ثباتی نظام های سیاسی مستبد و غیر دموکراتیک در منطقه خاور میانه به ویژه امیر نشین های خلیج فارس، سالها پیش از آغاز خیزش ملت های عرب در سال ۲۰۱۱ مورد توجه تحلیل گران و اندیشمندان آمریکایی بوده است. بی جهت نبود که با رفتن حسنی مبارک، هنری کسینجر تحلیل گر برجسته آمریکایی تصریح کرد: "مبارک باید ده سال پیش از این می رفت، اما ما جایگزینی برای وی نداشتیم؛ امروز آمریکا ده ها جایگزین برای مبارک در مصر دارد." فرید ذکر یا ستون نویس و سردبیر هفته نامه نیوزویک نیز در مقالات خود در سال های آغازین هزاره سوم میلادی به این موضوع پرداخته و "ایمن سازی دموکراسی برای جهان (خاور میانه)" را مطرح می کند. زکریا در سال ۲۰۰۳ در کتاب "آینده آزادی"، کتابی که هانتینگتون آن را حاوی درس های حیاتی برای همه کسانی که به آینده آزادی در جهان می اندیشند می داند، با وجود تاکید بر این واقعیت که "حکومت های پادشاهی دیگر عتیقه به حساب می آیند" تصریح می کند: "حمایت آمریکا از دیکتاتور های خود کامة به منظور بستر سازی برای جایگزینی آنها با نظام های باثبات تری است که منافع آمریکا را در طولانی مدت تأمین کنند". نیم قرن بعد از انتشار مقاله لوسین پای فرید زکریا می نویسد: "ایالات متحده قدرت غالب خاور میانه است؛ همه کشورهای منطقه روابط خود را با واشنگتن حیاتی ترین رابطه خود می دانند. نفت، پیوندهای استراتژیک، و رابطه منحصر به فرد آمریکا و اسرائیل دخالت آمریکا را حتمی می کند. واشنگتن به کمک های خود به حکومت مصر، محافظت از پادشاهی عربستان، و سرپرستی مذاکرات اسرائیلی ها و فلسطینی ها ادامه خواهد داد... با تحت فشار گذاشتن این حکومت ها برای حرکت به سمت دموکراسی، ایالات متحده آگاهانه تصمیم خواهد گرفت که اجازه دهد همه چیز همان گونه که هست باقی بماند یعنی ارجح دانستن ثبات."



حفظ جایگاه خود از الگوی سوم بهره گرفته و تلاش دارد تا حکومت نظامیان را بار دیگر در مصر احیا سازد. السیسی با قرار گرفتن در پشت پرده تلاش کرد تا با روی کار آوردن جریان های لیبرال از واکنش های معمول به یک کودتای نظامی در قرن ۲۱ بکاهد. قرار گرفتن عدلی منصور در پست ریاست جمهوری و البلباوی در نخست وزیری و تاکید السیسی بر بی تمایلی اش به حضور در ارکان قدرت در همین راستا بود.

از "تبیان آن من" تا رابعه

شاید کسی فکر نمی کرد بعد از قتل چهارم ژوئن در میدان "تبیان آن من" پکن در جریان اعتراضات سال ۱۹۸۹ که به کشته شدن ۳۰۰۰ دانشجوی معترض انجامید، میدان دیگری در جهان شاهد قتل عام مردم بی گناه در جلوی لژ دوربین رسانه ها باشد. با این حال چهارده سال بعد یعنی در ۱۴ اوت ۲۰۱۳، میدان رابعه قاهره سندی شد برای این ادعا که توحش انسانی را پاپایی نیست. وزارت بهداشت مصر تعداد کشتگان را ۶۳۸ نفر و تعداد زخمی ها را حداقل ۳۹۹۴ نفر اعلام کرد. این در حالی است که این وزارت در شمار رسمی خود از به رسمیت شناختن بیش از ۲۵۰ جسد زغال شده و ۱۴۰ جنازه گمنام در مسجد الایمان قاهره خودداری کرد. البته اخوانی ها مدعی اند که تعداد کشته های این روز بیش از ۲۲۰۰ بوده است. حجم تیر اندازی های کور به حدی بود که نه تنها زنان و کودکان بسیاری

مورد اقبال تحلیل گران قرار نگیرد. الگوی دوم، الگوی ترکیه بود. نظامیان ترکیه سال های سال به عنوان شمشیر دموکلو س عمل کرده و هر گونه مخالفتی را با کودتای نظامی سرکوب می کردند. روندی که به اعتقاد برخی از تحلیل گران غربی باعث شد در طولانی مدت اصول کمالیسم و لائیتیس در کشور ترکیه نهادینه شود. در این الگو نظامیان به عنوان اهرم فشار برای مرحله گذار کشور ها به لیبرال دموکراسی در نظر گرفته می شوند. با این حال تحلیل گران معتقد بودند ساخت متفاوت ارتش ترکیه و مصر و همچنین نبود اصولی همچون اصول کمالیستی در ترکیه باعث می شود اجرای چنین مدلی در مصر با اشکالات جدی رو به رو شود. سومین الگو، رجوع ارتش به الگوی بومی قدرت در مصر بود، و این به معنی کمین برای فرصت مناسب برای بازگشت به دوران حکومت امثال مبارک و سادات بود. تجربه ای که ارتش مصر به خوبی با آن آشنا است. استفاده توانمندی از سرکوب و باج دهی به برخی جریان های سیاسی همراه با بهره گیری از حمایت کشورهای خارجی به ویژه آمریکا بخش هایی از این سناریو بود. تحلیل گران معتقد بودند در این الگو احتمالاً ارتش موفقیت جریان اسلام گرار را می پذیرد و با گذشت زمان با ترویج نارضایتی در کشور و ایجاد آشوب و پلوا و به بهانه بازگرداندن امنیت به کودتای نظامی روی خواهد آورد.

روند تحولات در ماه های گذشته نشان می دهد ارتش برای

